

قدرت‌های امپریالیست در تدارک برپائی یک جنگ ویرانگر بزرگ

اجلاس سران گروه ۷ از ۲۶ تا ۲۸ ژوئن (۵ تا ۷ تیر) در آلمان برگزار شد. مقابله با روسیه و منزوی کردن آن از طریق تحمیل "هزینه‌های اقتصادی شدید و فوری"، تشدید تحریم‌ها، گام‌های گسترده‌تر برای محدود کردن درآمد روسیه از فروش نفت، حمایت همه جانبه مالی و نظامی از دولت اوکراین در جنگ و نیز مقابله با گسترش نفوذ چین از طریق توافق بر سر طرح

در صفحه ۳

جهان بار دیگر در آستانه یک جنگ بزرگ میان قدرت‌های امپریالیست جهان قرار گرفته است. پیام‌هایی که هفته گذشته از اجلاس گروه هفت و هم‌زمان با آن، اجلاس سران کشورهای عضو ناتو به سراسر جهان مخابره شد، خبر از تشدید بی‌سابقه تضادها میان قدرت‌های امپریالیست جهان، تقویت نیروهای نظامی بلوک امپریالیستی آمریکائی- اروپائی برای درگیری‌های نظامی قریب‌الوقوع داد.

بازنده‌ی اصلی سناریوی وزارت اطلاعات



تلاش وزارت اطلاعات و دستگاه سرکوب و امنیتی رژیم برای سرهم‌بندی کردن یک سناریوی رسوای از پیش تعیین‌شده همچنان ادامه دارد. ۲ کارگر عضو فعال و برجسته سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، ۶ معلم مبارز عضو فعال تشکل‌های مستقل فرهنگیان و ۲ مترجم حامی منافع کارگران که به اتهامات واهی بازداشت‌شده‌اند،

در صفحه ۱۰

جمهوری اسلامی رفتنی است دیگر از خدای خامنه‌ای هم کاری ساخته نیست

روز سه شنبه ۷ تیر ۱۴۰۱، مصادف با سالروز انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ بود. در این انفجار محمد بهشتی - رئیس وقت دستگاه قضایی- همراه با ده ها نفر از مسئولان و مقامات بالای جمهوری اسلامی کشته شدند. به مناسبت این روز، محسنی اژه ای رئیس کنونی قوه قضائیه و جمعی از مسئولان و کارکنان این دستگاه به دیدار خامنه‌ای رفتند. خامنه‌ای در این دیدار با برشمردن "حوادث بزرگ و تلخ" سال ۱۳۶۰ نظیر "شرایط بسیار نامساعد جنگ" ارتجاعی ایران و عراق، شروع "جنگ داخلی" توسط مجاهدین و رای مجلس ارتجاع اسلامی به "عدم کفایت سیاسی" بنی صدر - رئیس جمهور وقت- گفت: باید بدانیم خداوند سال ۱۴۰۱ همان خداوند سال ۱۳۶۰ است.

علی خامنه‌ای که این روزها در چنبره کابوس سقوط رژیم گرفتار است، با تاکید بر اتفاقات تلخ و شکننده سال ۶۰ اعلام کرد، همانطور که در آن دوره بسیار حساس بر پایه سنت های الهی "ناکامی های پی در پی به پیروزی های پی در پی تبدیل شد، امروز نیز همان قاعده و قانون جاری است" و "باید خود را مصداق سنت های الهی قرار دهیم تا نتیجه آن، پیشرفت و پیروزی برای جمهوری اسلامی" باشد. اما با توجه به شرایط کنونی جامعه و از آنجا که خامنه‌ای به خوبی می داند برای نجات جمهوری

در صفحه ۵

کشتار وحشیانه پناهجویان آفریقایی‌تبار در مرز اسپانیا
و نقش آتی ناتو در جلوگیری از ورود پناهجویان

۷

مذاکرات دوحه، نه به پیش، نه به پس

بهرغم تصویب قطعنامه پیشنهادی دولت‌های آمریکا و سه کشور اروپایی در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۸ خرداد و ادعای "پیچیده‌تر شدن مذاکرات" از سوی طرفین ماجرا، پس از سفر فوری جوزپ بورل به تهران در روز جمعه ۳ تیر، درست یک روز پس از سفر لاروف به تهران و شش روز قبل از برگزاری نشست شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی نحوه اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ و توافق برجام در روز پنجشنبه ۹ تیر، به سرعت اعلام شد که دور جدید مذاکرات غیرمستقیم دولت‌های ایران و آمریکا این‌بار در دوحه پایتخت قطر و با میانجی‌گری اتحادیه اروپا در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه برگزار می‌شود. بدین ترتیب هیات نمایندگی اتحادیه اروپا و دولت‌های ایران و آمریکا به سرعت در قطر حضور یافته و دو روز مذاکره غیرمستقیم هیات‌های نمایندگی در روز چهارشنبه ۸ تیر به پایان رسید.

مذاکراتی که هیچ گامی طرفین دعوا را به "احیای برجام" نزدیکتر نکرد، و نماینده اتحادیه اروپا و مقامات جمهوری اسلامی بدون تعیین تاریخ جدیدی برای ادامه مذاکرات، تنها بر ادامه تماس‌ها در آینده تاکید کردند.

پس از دو روز مذاکره، انریکه مورا مذاکره‌کننده اتحادیه اروپا در توییتر با اعلام پایان مذاکرات دوحه نوشت: "پیشرفتی که تیم اتحادیه اروپا به آن امیدوار بود حاصل نشده است". یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا نیز با ابراز تاسف از بی‌نتیجه بودن مذاکرات گفت: "ایران بار دیگر به ابتکار اتحادیه اروپا برای احیای توافق هسته‌ای پاسخ مثبت نداد و مانند گذشته در دوحه موضوعاتی را مطرح کرد که کاملاً با برجام

در صفحه ۲

زنده باد اتحاد و مبارزه
بازنشستگان تامین اجتماعی

"وای از این ظلم -
مرگ بر این بردگی"

در صفحه ۶

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

مذاکرات دوحه، نه به پیش، نه به پس

نامرتب بود و ظاهراً ایران آماده تصمیم‌گیری اساسی در مورد اینکه آیا می‌خواهد برجام را احیا یا دفن کند نیست.

اما در حالی که اتحادیه اروپا و دولت آمریکا از مذاکرات بی‌نتیجه در دوحه سخن گفتند، مقامات وزارت خارجه جمهوری اسلامی برعکس از انجام دو روز مذاکرات "حرفه‌ای" خبر داده و هرگز از بی‌نتیجه بودن این دور از مذاکرات سخن به میان نیاوردند. عبداللہیان در گفت‌وگوی تلفنی با وزیر خارجه قطر گفت: "ارزیابی جمهوری اسلامی از مذاکرات دوحه مثبت است". کنعانی سخنگوی وزارت خارجه نیز در توئیتر نوشت: "در ادامه روند مذاکرات رفع تحریم‌ها، گفتگوهای فشرده‌ای طی روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه با وساطت انریکه مورا در دوحه برگزار شد. نظرات و پیشنهادهای عملیاتی ایران درباره موارد باقیمانده طرح شد و طرف مقابل نیز ملاحظاتی خود را ارائه کرد. در مورد ادامه مسیر و مرحله بعدی گفتگوها، طبق روال همیشه باقری و مورا در تماس خواهند بود."

خبرگزاری "تسنیم" وابسته به سپاه پاسداران اما تصویری تا حدودی متفاوت از مذاکرات دوحه نسبت به وزارت خارجه ارائه داد. "تسنیم" نوشت: "آن چیزی که مانع از به نتیجه رسیدن این دور از گفتگوها شده، پافشاری طرف آمریکایی بر متن طرح پیشنهادی خود در وین است که شامل تصمیم برای انتفاع اقتصادی ایران نمی‌شود، در واقع واکنش بدنبال احیای برجام بمنظور محدود کردن ایران بدون دستاورد اقتصادی برای کشورمان است. همین مساله باعث شده است به‌دلیل ضعف دولت بایند و عدم توانایی در تصمیم‌گیری نهایی، احیای توافق هسته‌ای که صرفاً نیاز به پذیرش خط قرمز ایران در انتفاع اقتصادی از این رویداد از سوی آمریکا دارد، نشست دوحه هم فعلاً تأثیر خاصی در پیشرفت مذاکرات نداشته باشد".

اما جمهوری اسلامی در مذاکرات دوحه چه خواسته‌هایی را مطرح کرده بود که طرف‌های دیگر مذاکره آن‌ها را غیرمنطقی و عقب‌گرد در مذاکرات دانستند؟

بعنوشته‌ی "وال استریت جورنال" و به نقل از دو دیپلمات غربی "جمهوری اسلامی در این دور از مذاکرات خواستار آن شده است که در صورت بازگشت به برجام، تحقیقات پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی متوقف شود". مجد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی در صحبت‌های‌اش در روز ۵ شنبه در اصفهان به‌نوعی بر این موضوع صحنه گذاشت. وی یکی از مسائل مورد اختلاف را ابعاد نظامی برنامه هسته‌ای ایران اعلام کرد و مدعی شد که این پرونده باید براساس برجام بسته شود.

سایت "نور نیوز" وابسته به شورای امنیت ملی نیز در گزارشی دو خواست جمهوری اسلامی در

این مذاکرات را لغو همه تحریم‌های اعمال‌شده در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ و دادن تضمین از سوی آمریکا برای باقی ماندن دولت‌های بعدی در توافق برجام اعلام کرد، هر چند که ساعتی بعد قسمت خواست‌های جمهوری اسلامی در این مذاکرات در سایت "نورنیوز" حذف شد.

همچنین براساس اخبار منتشره در برخی از رسانه‌ها، دولت آمریکا همچنان خواستار آن است که احیای "برجام" منجر به شروع مذاکراتی در مورد تنش‌های منطقه‌ای بشود. جک سالیوان مشاور امنیت ملی دولت آمریکا نیز پیش از این گفته بود که "دیگر مساله خارج شدن سپاه از لیست گروه‌های تروریستی مطرح نیست و همان توافقی که در ماه مارس به دست آمده بود روی میز است".

بنابراین با توجه به اخبار منتشره در همان حدی که از مذاکرات پشت پرده تاکنون مشخص شده، نه تنها هیچ کدام از طرفین نزاع از خواست‌های خود عقب‌نشینی نکرده‌اند، بلکه جمهوری اسلامی خواست‌های جدیدی از جمله پایان یافتن تحقیقات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ارتباط با فعالیت‌های گذشته هسته‌ای ایران و ابعاد نظامی آن فعالیت‌ها را نیز مطرح کرده است.

اما سوال اینجاست که چرا مذاکرات به نتیجه نمی‌رسد و اگر به نتیجه نمی‌رسد چرا ادامه می‌یابد؟!

واقعیت این است که نه دولت آمریکا و اتحادیه اروپا و نه جمهوری اسلامی هیچ‌کدام خواستار اعلام "پایان مذاکرات" نیستند. اعلام شکست مذاکرات و پایان آن، تنها می‌تواند به تشدید اختلافات و درگیری در منطقه بیانجامد که فعلاً هیچ‌کدام از طرف‌های درگیر خواستار آن نیستند. از سوی دیگر اما چشم‌اندازی برای پیشرفت در مذاکرات و "احیای برجام" به دلیل خواست‌های طرفین ماجرا و شرایط کنونی جهان فعلاً وجود ندارد. روند تحولات می‌تواند به مسیر "احیای برجام" و یا برعکس "رویارویی" بیشتر بیانجامد.

واقعیت این است که در شرایط کنونی هم از نظر داخلی و هم از نظر بین‌المللی طرفین نزاع آماده امتیاز دادن بیشتر به طرف مقابل نیستند. دولت آمریکا جدا از موانع حقوقی در رابطه با دادن تضمین از سوی روسای جمهوری آینده برای عدم خروج از "برجام"، حتا با مخالفت برخی از اعضای دموکرات کنگره و سنا نیز در مورد چگونگی مذاکرات احیای "برجام" روبروست. انتخابات پیشرو در آمریکا و احتمال از دست دادن اکثریت در کنگره و سنا معضلی دیگر دولت بایند است. دولت آمریکا همچنین از سوی دولت‌های متحد خود در منطقه از جمله اسرائیل و عربستان سعودی تحت فشار است. جمهوری اسلامی نیز با توجه به شرایط کنونی

که متأثر از جنگ اوکراین و تشدید اختلاف بین دو بلوک امپریالیستی است و همچنین نیاز بازارهای جهانی به نفت که منجر به عدم حساسیت دولت بایند در اجرای تحریم‌های نفتی شده، ضرورتی به دادن امتیاز به دولت آمریکا در مقطع فعلی احساس نمی‌کند. برعکس جمهوری اسلامی گمان می‌برد که در شرایط فعلی اتفاقاً می‌تواند از دولت آمریکا امتیازات بیشتری بگیرد. این موضوع را نیز نباید نادیده گرفت که جمهوری اسلامی در تبلیغات خود معضلات اقتصادی جامعه را به تحریم‌ها ربط می‌دهد، معضلاتی که البته با رفع تحریم‌ها و سررازشدن دلارهای نفتی حل خواهد شد، همان‌طور که هم اکنون نیز با افزایش فروش نفت و حتا بالا رفتن بهای آن، بحران اقتصادی با شتابی بیش از همیشه روزانه در حال تشدید شدن است.

باید بویژه تاکید کرد که افزایش تنش بین دو بلوک امپریالیستی آمریکا و اروپا با روسیه و چین و بویژه روابط ویژه جمهوری اسلامی با چین و روسیه یک عامل مهم دیگر است که می‌تواند تأثیرات سرنوشت‌سازی نه فقط بر "برجام" بلکه بر کل منطقه خاورمیانه داشته باشد. اما چرا جمهوری اسلامی با این عجله مذاکرات دوحه را پیشنهاد و اجرایی کرد، مذاکراتی که براساس شواهد اساساً به دنبال نتیجه‌گرفتن از آن نبود؟!

جمهوری اسلامی با دو معضل روبروست. اولین مساله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که ادامه روابط کنونی جمهوری اسلامی با آن می‌تواند به قطعنامه دیگری از سوی شورای حکام و حتا ارسال مجدد پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت و در نهایت فعال شدن "مکانیزم ماشه" شود. دومین مساله انزوای بیشتر جمهوری اسلامی در منطقه است. تلاش جمهوری اسلامی در رابطه با ترور شهروندان اسرائیلی در خاک ترکیه و تنش در روابط ایران و ترکیه، روابط نزدیک ترکیه و قطر، نزدیک شدن دوباره ترکیه به عربستان و اسرائیل، طرح ناتوی خاورمیانه‌ای، طرح اسرائیل برای "ائتلاف دفاع هوایی" علیه جمهوری اسلامی و بالاخره سفر بایند به اسرائیل و شرکت در اجلاس کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، از جمله موضوعاتی هستند که جمهوری اسلامی با آن درگیر است و در چنین شرایطی جمهوری اسلامی می‌خواهد با باقی ماندن در میز مذاکره و با خریدن زمان، از انزوای بیشتر و اتحاد دولت‌های منطقه علیه خود جلوگیری کند. در واقع عجله جمهوری اسلامی برای برگزاری مذاکرات بی‌نتیجه دوحه تنها به همین خاطر بود که پیش از برگزاری نشست شورای امنیت، بگوید میز مذاکره را ترک نکرده است. همین مساله ممکن است پیش از جلسه آینده شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سپتامبر با هدف جلوگیری از ارسال پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت تکرار شود.

علاوه بر این، جمهوری اسلامی از نظر داخلی

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه برانداخت**

قدرت‌های امپریالیست در تدارک برپائی یک جنگ

سرمایه‌گذاری شش‌صد میلیارد دلاری تحت عنوان "همکاری برای زیرساخت و توسعه جهانی"، مهم‌ترین تصمیمات این اجلاس بود. برای مقابله با چین تصمیم گرفته شد، مبلغ ۶۰۰ میلیارد دلار در طرحی نظیر طرح بزرگ چین به نام "کمربند و جاده" برای صدور سرمایه به کشورهای دیگر، ظاهراً برای ایجاد زیرساخت‌ها از جمله بندر، خطوط راه‌آهن، شبکه برق‌رسانی و غیره اختصاص داده شود. عرصه‌های سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که این طرح علاوه بر اهداف اقتصادی، اهداف نظامی را نیز دنبال می‌کند. باین‌وجود چنین به نظر می‌رسد که در این اجلاس همان یکپارچگی که در برخورد با روسیه وجود داشت در قبال چین وجود نداشت. از جمله این‌که نخست‌وزیر انگلیس در یک گفتگو با شبکه سی ان ان گفت: "در ارتباط با رفتار با چین باید به یک تعادل درست رسید. سیاست گروه هفت باید از طرفی ارزش‌ها را نمایندگی کند، از طرف دیگر باید ادامه روابط تجاری با چین را ممکن سازد."

همزمان اجلاس ناتو نیز برای تصویب یک استراتژی جنگی جدید تحت عنوان سند «مفهوم راهبردی» در مادرید برگزار شد و این سند را به تصویب رساند. دبیر کل سازمان نظامی بلوک امپریالیست غرب در نخستین جلسه نشست ناتو گفت: "رژیم‌های تمامیت‌خواهی چون چین و روسیه درصدد برهم زدن نظم جهانی مبتنی بر حقوق بین‌الملل هستند" لذا تصمیمات مهمی به‌منظور تقویت ناتو اتخاذ خواهد شد. وی افزود: کشورهای عضو ناتو در مادرید بر سر هشت برابر کردن شمار نیروهای ضربتی این ائتلاف توافق خواهند کرد و آن را از ۴۰ به ۳۰۰ هزار نفر خواهند رساند. وی بحران پیش‌آمده در اروپا را بزرگ‌ترین بحران امنیتی از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون خواند و اعلام کرد که با این تهدید مقابله خواهد کرد. دبیر کل ناتو همچنین در یک گفتگوی مطبوعاتی گفت: "باید برای جنگی طولانی آمادباشیم، این اشاره ما به ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین است."

بایدن نیز در اجلاس سران ناتو گفت: نیروهای آمریکایی در هر سو و در تمام حوزه‌های زمینی، هوایی و دریایی تقویت خواهند شد. آمریکا حضور نظامی خود را در سرتاسر اروپا افزایش می‌دهد. او برنامه‌های افزایش و تقویت نیروهای آمریکایی در اروپا را به شرح زیر اعلام کرد. "افزایش تعداد ناوشکن‌های نیروی دریایی آمریکا از چهار به شش در جنوب اسپانیا، ایجاد مقر دائمی برای سپاه پنجم ارتش آمریکا در لهستان، ایجاد یک تیپ چرخشی اضافه در رومانی متشکل از سه هزار نیروی رزمی و دو هزار پرسنل. استقرار چرخشی و تقویت‌شده نیروها در کشورهای حوزه بالتیک، استقرار دو اسکادران جنگنده اف-۳۵ در بریتانیا. تقویت سیستم‌های دفاع هوایی و قابلیت‌های دیگر در

آلمان و ایتالیا" ناتو در بیانیه پایانی اجلاس مادرید نیز اعلام کرد: "بحران برآمده از تهاجم بی‌دلیل روسیه به اوکراین به‌طور چشمگیری نظم امنیتی اروپا را برهم زده است" و روسیه را "مهم‌ترین و مستقیم‌ترین تهدید برای امنیت متحدان" اعلام کرد.

در اجلاس سران ناتو علاوه بر اعضای این سازمان نظامی، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و زلاندنو نیز که متحد بلوک امپریالیست غربی‌اند، حضور داشتند.

در بیانیه ناتو همچنین از موافقت رهبران این سازمان نظامی با دعوت رسمی از فنلاند و سوئد و امضای پروتکل‌های الحاق این دو کشور برای پیوستن به این ائتلاف خبر داده شد. میلیتاریسم و گرایش به ارتجاع سیاسی توامان پیش می‌روند. بورژوازی سوئد و فنلاند که برای پیوستن به اردوی جنگ‌طلبان لحظه‌شماری می‌کردند، برای باج دادن به رئیس‌جمهور ترکیه که با پیوستن آن‌ها به ناتو مخالفت کرده بود، به یک معامله ننگین آدم‌فروشی دست زدند و درازای ورود به ناتو با امضای یک توافق‌نامه سه‌جانبه با دولت ترکیه، متعهد شدند که پناهندگان سیاسی مخالف دولت ترکیه را در این کشورها که رژیم سرکوبگر ترکیه آن‌ها را تروریست می‌ماند، تحویل این کشور دهند. اردوغان یک روز بعد از اجلاس ناتو در یک مصاحبه اعلام کرد: "سوئد قول داده است که ۷۳ تروریست را به ترکیه تحویل دهد."

مصوبات اجلاس سران گروه هفت و ناتو، جهت اوضاع سیاسی تیرموتار جهان، تشدید تضاد میان قدرت‌های امپریالیست رقیب، جنون میلیتاریسم و تدارک و آمادگی بیشتر نظامی برای روی‌آوری به جنگی بزرگ را به‌وضوح نشان داد.

پوشیده نیست که در طول چندین سال اخیر با تقویت روزافزون قدرت اقتصادی و نظامی چین و روسیه، به‌عنوان قدرت‌های امپریالیست رقیب بلوک امپریالیستی آمریکائی-اروپائی، تضاد میان کشورهای امپریالیست جهان پیوسته تشدید شده و توام با آن گرایش روزافزون به میلیتاریسم و افزایش بودجه‌های نظامی به عنوان یکی از شاخصه‌های این تشدید تضادها و منازعه بر سر تجدید تقسیم بازارها و مناطق نفوذ افزایش است. امپریالیسم آمریکا که از سال‌ها پیش قدرت اقتصادی برتر خود را در برابر قدرت روزافزون اقتصادی امپریالیسم چین پیوسته از دست‌داده، بیش از هر زمان دیگری نگران از دست دادن بازارها و هژمونی خود در جهان تک‌قطبی است که هم‌اکنون به‌شدت متزلزل شده است.

بایدن از لحظه‌ای که به قدرت رسید در ادامه سیاست ترامپ، استراتژی جهانی دولت آمریکا را مقابله با چین و مهار آن به‌عنوان اولویت اصلی امپریالیسم آمریکا اعلام کرد که هم‌اکنون

به شکلی خزنده و بی‌سر و صدا، بخش‌هایی از بازار جهانی را از چنگال آمریکا و اروپا درآورده است. بنابراین، استراتژی دولت آمریکا، محاصره سیاسی-نظامی و اقتصادی چین را در دستور کار قرار داده است.

بایدن در سند "چشم‌انداز استراتژی" خود تأکید کرده است که روی هر نقطه‌ای از این منطقه، از جنوب آسیا تا جزایر اقیانوس آرام، به‌منظور تقویت مواضع و تعهد بلندمدت تمرکز خواهد کرد.

در این سند آمده است: جمهوری خلق چین در حال ترکیب اقتدار اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و فناوری خود، در شرایطی است که یک حوزه نفوذ در هند - اقیانوسیه می‌خواهد و به دنبال آن است تا تأثیرگذارترین قدرت جهان شود.

در این سند چشم‌انداز استراتژیک، آمریکا به مدرن سازی اتحادها، تقویت شراکت‌های نوظهور و سرمایه‌گذاری در سازمان‌های منطقه‌ای وعده داده است. آمریکا همچنین بر اهمیت "یک هند قوی" به‌عنوان یک شریک در چشم‌انداز مثبت منطقه‌ای تأکید کرده است. بر اساس این سند، ایالات‌متحده، یک هند - اقیانوسیه "آزاد و باز را از طریق شبکه‌سازی ائتلاف‌های قدرتمند و تقویت‌کننده متقابل" را دنبال خواهد کرد.

آمریکا با عزیمت از این نظرگاه که چین در تلاش برای ایجاد حوزه نفوذ منطقه‌ای و کسب تأثیرگذارترین قدرت جهان است، وعده داد تا منابع امنیتی و دیپلماتیک بیشتری به منطقه جغرافیائی هند - اقیانوسیه برای عقب راندن چین اختصاص دهد.

در راستای پیشبرد این استراتژی به توافق امنیتی - دفاعی سه کشور آمریکا، انگلستان و استرالیا موسوم به "اکوس" شکل داد. بر پایه این پیمان امنیتی، انگلیس و آمریکا متعهد شدند که نیروی دریایی استرالیا را به فناوری زیردریایی‌های هسته‌ای برای مقابله با چین مجهز کنند. علاوه بر آن قرار شده است سه کشور، قدرت، فعالیت و امکانات خود را در حوزه‌های هوش مصنوعی، تولید نسل نوبنی از تسلیحات هسته‌ای و سایبری علیه چین، متمرکز و هماهنگ سازند.

تنها یک هفته پس از اعلام توافق امنیتی "اکوس"، آمریکا، هند، استرالیا و ژاپن اجلاس موسوم به "کواد" را در مهرماه ۲۰۲۰ برگزار کردند که این اجلاس نیز در راستای استراتژی آمریکا علیه چین بود. در همین حال آمریکا تقویت نظامی تایوان را در دستور کار قرارداد.

درحالی‌که امپریالیسم آمریکا در تلاش برای ایجاد بلوک‌بندی جدیدی در شرق آسیا و اقیانوسیه و تقویت نظامی خود در این منطقه بود، بلوک امپریالیستی غرب با حمله نظامی روسیه به اوکراین مواجه شد. در یک آن، تضادها به مقیاس بی‌سابقه‌ای تشدید شد و تقدم آمادگی نظامی بلوک امپریالیست غرب برای مقابله نظامی فوری با روسیه در دستور کار قرار گرفت.

آمریکا تلاش نمود با استفاده از این شرایط، موقعیت برتر خود را در بلوک غرب که در

قدرت‌های امپریالیست در تدارک برپائی یک جنگ

دوران ترامپ آسیب‌دیده بود، تقویت کند و تمام اروپا را به زیر هژمونی خود درآورد.

اما حمله نظامی روسیه به اوکراین و اشغال بخش‌هایی از خاک اوکراین، اقدامی خلق‌الساعه نبود، بلکه نتیجه اوضاع سیاسی متشنج جهان و نزاعی چندین ساله میان امپریالیسم روس و بلوک امپریالیستی غرب بر سر مناطق نفوذ در شرق اروپا بود. زمانی که قرارداد اتحاد آلمان منعقد شد، غرب به روسیه اطمینان داده بود که ناتو به‌سوی شرق گسترش نخواهد یافت. اما در جهانی که زور و قدرت و تلاش قدرت‌های امپریالیست برای کسب بازارهای جدید و مناطق نفوذ، حرف اول را می‌زند، هیچ توافق و قراردادی پایدار نیست و تضمینی برای بقاء آن وجود ندارد. امپریالیسم غرب که روسیه را ناتوان یافته بود، زیر قول و قرارهای خود زد و ناتو برای محاصره روسیه که خطری بالقوه و تهدیدکننده برای غرب محسوب می‌شد، حرکت به سمت شرق اروپا را به‌ویژه از ۲۰۰۸ در دستور کار قرارداد و کشورهای اروپای شرقی را یکی پس از دیگری به عضویت ناتو درآورد. لذا تضاد میان روسیه و غرب پیوسته تشدید شد. آخرین نقطه‌ای که می‌توانست کار را به رودروئی مستقیم، درگیری نظامی و نقطه‌ای غیرقابل‌بازگشت بگشاند، اوکراین بود که با ماجرای تظاهرات میدان با سردمداری گروه‌های فاشیست موردحمایت ناتو از نمونه آذوف و اسوبودا که به فرار رئیس‌جمهور این کشور به روسیه انجامید، عملاً به رودروئی مستقیم انجامید. ناتو به حمایت و تقویت دولت طرفدار خود در اوکراین و سرکوب طرفداران روسیه در شرق این کشور و مناطق خودمختار آن‌ها توسط دولت اوکراین، ادامه داد و روسیه با اشغال بندر کریمه و حمایت نظامی از جدائی‌طلبان اوکراین به جنگ غیرمستقیم روی آورد. در این فاصله روسیه که موقعیت اقتصادی و نظامی خود را تحکیم کرده بود، خود را برای حمله نظامی به اوکراین آماده می‌کرد و در سوی دیگر همان‌گونه که اخیراً دبیر کل ناتو گفت: بلوک غرب نیز از سال‌ها پیش در حال گسترش نیروی ناتو و آمادگی برای درگیری با روسیه بود.

بنابراین وقتی‌که اولتیماتوم امپریالیسم روسیه به غرب کمی پیش از حمله نظامی به اوکراین، برای اعلام بی‌طرفی اوکراین و فراخواندن نیروهای نظامی و بیرون بردن تسلیحات هسته‌ای از شرق اروپا بدون جواب ماند، روسیه که احساس می‌کرد از قدرت رویارویی مستقیم با بلوک غرب برای تحقق اهداف توسعه‌طلبانه امپریالیستی خود برخوردار است، حمله نظامی خود را به اوکراین آغاز کرد. بنابراین روشن است که حمله نظامی روسیه به اوکراین برخلاف ادعای دبیر کل ناتو یک "تهاجم بی‌دلیل" نبود. دلیل آن، رقابت و کشمکش قدرت‌های امپریالیست برای کسب بازار و مناطق نفوذ بود که همواره به جنگ و کشتار و ویرانی انجامیده است. در اینجا نیز رقابت دو قدرت امپریالیست روسیه و غرب بر سر مناطق نفوذ، به جنگ منجر شد. بنابراین مسئولیت مرگ و کشتار هزاران تن از مردم غیرنظامی، آوارگی

به بار می‌آورد. تجربه تمام دوران سلطه امپریالیسم در جهان این واقعیت را به‌وضوح نشان داده است که علاوه بر صدها نمونه جنگ‌های کوچک و کودتاهایی که پشت سر آن‌ها قدرت‌های امپریالیست قرار داشتند، دو جنگ جهانی برای حل این تضادها برپا شده است که در نخستین آن ده میلیون و در دومین آن لاقلاً ۶۰ میلیون تن از مردم قتل‌عام شدند. اکنون آیا در شرایطی که سلاح‌های هسته‌ای کشتار جمعی در دست قدرت‌های امپریالیست رقیب، می‌تواند حتی کره زمین را نابود کند، احتمال چنین جنگی تا چه حد می‌تواند به واقعیتی مرگبار تبدیل شود؟ پاسخ آن را نه‌فقط تهدیدات پوتین به استفاده از سلاح هسته‌ای، بلکه سند "مفهوم استراتژی" جدید ناتو نیز داده است. تصمیمات جدید اجلاس ناتو برای نمایش دادن قدرت نظامی بلوک غرب نیست، بلکه برای جنگ است و وقتی‌که جنگ آغاز شد هیچ تضمینی نیست که از سلاح هسته‌ای استفاده نشود. وقتی که منافع قدرت‌های امپریالیست ایجاب کند آن‌ها آماده‌اند که این بار به‌جای ۶۰ میلیون حتی ۶۰۰ میلیون انسان را قتل‌عام کنند. زمانی که ترومن رئیس جمهوری آمریکا فرمان داد در یک‌ششم به هم زدن ۲۰۰ هزار نفر را در هیروشیما و ناکازاکی کشتار کنند، به‌وضوح نشان داد که این استعداد درنده‌خوئی در امپریالیسم هست که صدها میلیون انسان را کشتار کند. اکنون دست‌به‌نقد نیز جنون میلیتاریسم درحالی‌که درآمدهای هنگفتی نصیب بزرگترین انحصارات جهانی به‌ویژه انحصارات تسلیحاتی کرده و می‌کند و تمام دولت‌های عضو ناتو موظف شده‌اند، حداقل دو درصد تولید داخلی خود را صرف هزینه‌های نظامی کنند، از هم‌اکنون بار هزینه‌های سنگین این میلیتاریسم و جنگ‌طلبی بر دوش کارگران کشورهای سرمایه‌داری عضو ناتو قرار گرفته است. روشن است که در سوی دیگر ماجرا، امپریالیست‌های روسیه و چین نیز بیکار ننشسته‌اند. آن‌ها نیز همان برنامه، اقدامات و اهدافی را پیش می‌برند که ناتو در حال اجرای آن‌هاست. مادام که نظام طبقاتی سرمایه‌داری حاکم است، مادام که در بالاترین مرحله این نظام یعنی امپریالیسم، انحصارات جهانی سرنوشت توده‌های مردم را در دست داشته باشند، راه نجاتی برای بشریت ستمدیده از توحش و بربریت این نظم جز یک انقلاب برای سرنگونی سرمایه‌داری وجود نخواهد داشت. تنها راه نجات بشریت از این توحش و بربریت، یک انقلاب اجتماعی و استقرار سوسیالیسم است که برای همیشه به‌نظام طبقاتی، جنگ و فجایع آن پایان خواهد داد.

میلیون‌ها تن و ویرانی‌های وحشتناک در اوکراین نه‌فقط بر عهده روسیه بلکه بلوک امپریالیست غرب نیز قرار دارد. امپریالیست‌های غربی دروغ می‌گویند که این جنگی میان دولت‌های اقتدارگرا و دموکراسی است. این جنگی میان ارتجاع امپریالیستی بر سر تجدید تقسیم بازارهای جهان و مناطق نفوذ است. اکنون دیگر پس از گذشت چند ماه از این جنگ، دیگر برکسی پوشیده نیست که این جنگ، نه جنگی میان روسیه و اوکراین، بلکه جنگی میان دو قدرت امپریالیست است. از یکسو نیروی نظامی روسیه به همراه متحدان جدائی‌طلب خود در اوکراین مستقیماً در این جنگ شرکت دارد و از سوی دیگر بلوک امپریالیست غرب که از سال‌ها پیش طراح و پیش برنده سیاست توسعه‌طلبانه خود در اوکراین بود، اکنون پول، سلاح و مستشار در اختیار دولت این کشور قرار می‌دهد که برای بلوک امپریالیست غرب بجنگند. اما این جنگ همان‌گونه که اجلاس اخیر گروه هفت و ناتو نشان داد، پایان کار نیست، بلکه آغاز جنگی است که به رودروئی مستقیم اما این بار نه‌فقط میان روسیه و غرب، بلکه از آنجائی که امپریالیست‌های چین و روسیه برای تجدید تقسیم بازارهای جهان تلاش می‌کنند و هر دو هدف مستقیم بلوک غرب قرار دارند، به جنگی بزرگ میان این دو بلوک خواهد انجامید. حتی اگر در کوتاه مدت توافقی هم بر سر اوکراین میان روسیه و غرب صورت بگیرد، چیزی جز یک آتش‌بس موقت نخواهد بود. از همین روست که ناتو با تمام توان به تقویت ماشین نظامی خود روی آورده است. تمام کشورهای عضو ناتو بودجه‌های نظامی خود را شدیداً افزایش داده‌اند. حتی کشورهای ظاهراً بی‌طرف سابق برای آمادگی جنگی به ناتو پیوسته‌اند و آمریکا سردمدار میلیتاریزه کردن سراسر اروپا شده است.

اکنون تشدید تضادها به مرحله‌ای رسیده که در چهارچوب نظام سرمایه‌داری جهانی و در نزاع میان قدرت‌های امپریالیست راهی برای حل آن‌ها جز جنگ وجود ندارد. در شرایطی که طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش نتوانند جلو جنگ‌ها و جنگ‌افروزان را بگیرند و آمادگی برپائی یک انقلاب برای سرنگونی نظامی که سرمنشأ جنگ است را نداشته باشند، به ناگزیر، جنگ، وحشی‌گری و کشتار رخ می‌دهد و فجایع بی‌شمار



جمهوری اسلامی رفتنی است دیگر از خدای خامنه ای هم کاری ساخته نیست

اسلامی دیگر از خداوند و سنت های الهی هم کاری ساخته نیست، او بی درنگ دست از آسمان بر داشته و بر بستر تجارب گذشته، سیاست زمینی سرکوب و اختناق و بستن فضای مجازی را به دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی توصیه کرد.

خامنه ای مانند همه دیکتاتورها که شکست تک صدایی حاکمیت را نقطه پایانی بر اقتدار بلامنزاع خود می داند، اکنون در پرتو اطلاع رسانی، افشای جنایات و برملا شدن فساد و دزدی های کلان سران حکومت اسلامی به شدت عصبانی و خشمگین است. انتشار سریع اخبار مبارزات کارگران و توده های مردم ایران، درج اخبار اعدام و سرکوب و افشای روایات جعلی رژیم از طریق شبکه های اجتماعی، عملاً شرایطی را برای خامنه ای و جمهوری اسلامی رقم زده است که دیگر انتشار یک طرفه اخبار و وارونه نمایی مسائل مربوط به جامعه همانند دهه های گذشته برای جمهوری اسلامی ناممکن شده است. بی رنگ شدن فضای تک صدایی رژیم، آنچنان خامنه ای را به خشم آورده است که او به طور مستمر خواهان برخورد دستگاه قضایی با فضای مجازی شده است.

رهبر جمهوری اسلامی، که پیش از این در سی و دومین سالروز مرگ خمینی، فضای مجازی را "رها" و "بی قید و بند" عنوان کرده بود، در سخنرانی اخیر خود نیز خواهان بستن فوری فضای مجازی شد. او فضای مجازی را که آشکارا ابزاری برای شکستن اقتدار و تک صدایی رژیم در انتشار روایات جعلی جمهوری اسلامی است، با وارونه انگاری به ابزاری برای "از بین رفتن امنیت روانی مردم" معرفی کرد. خامنه ای که این روزها همه اقتدارش در نزد توده های مردم ایران از بین رفته و شعار "مرگ بر خامنه ای" در اندک زمانی از طریق همین شبکه های مجازی به گوش مردم ایران و جهان می رسد، آنچنان نگران گسترش فضای مجازی است که اینبار با تاکید بیشتر خطاب به قوه قضائیه گفت: "هرچند وقت یک بار یک شایعه ای در فضای مجازی پخش می شود که مردم را نگران می کند. این شایعات امنیت روانی مردم را از بین می برد. امنیت روانی یعنی هر روز یک شایعه، دروغ یا یک حرف هراس افکننده در ذهن ها پخش نشود... تا دیروز فقط روزنامه ها در ایران این کار را می کردند، حالا فضای مجازی هم اضافه شده است." خامنه ای که به شدت نگران افشای جنایات رژیم، فساد و دزدی های کلان سران حکومتی در شبکه های اجتماعی است، در برخورد به فضای مجازی تا بدان جا پیش رفت که به صراحت اعلام کرد، برای برخورد با فضای مجازی با همین قوانین موجود عمل کنید و "اگر هم قانونی وجود ندارد، سریعاً تهیه" شود.

نگاهی به همین تأکیدات خامنه ای در سخنان هفتم تیر ماه او و مقایسه اوضاع به غایت بحرانی امروز جمهوری اسلامی با شرایط بحرانی رژیم در سال ۱۳۶۰، به خوبی می توان دریافت که چه کابوس مرگباری خامنه ای را فرا گرفته است و اوضاع کنونی جمهوری اسلامی

از نگاه شخص خامنه ای تا چه حد خراب، بی ثبات و نگران کننده است. در واقع، همان نگرانی از سقوط جمهوری اسلامی که در سال ۱۳۶۰ خمینی و کل هیات حاکمه را فرا گرفته بود، اکنون نیز به طرز فزاینده ای خامنه ای را فرا گرفته است. کابوس مرگ باری که اگر چه به زعم خامنه ای خدای ۱۳۶۰ یاری رسان آنان در آن سال شد و او انتظار دارد که خداوند سال ۱۴۰۱ نیز همانند آن سال نجات دهنده آنان باشد، اما خودش به خوبی می داند آنچه جمهوری اسلامی را در سال ۱۳۶۰ نجات داد نه یاری خداوند که همانا توسل رژیم به سرکوب و کشتار، زندان و اعدام و جنگ بود.

همه کسانی که سال ۱۳۶۰ را تجربه کرده اند، به خوبی می دانند که در آن سال و سال های بعد از آن، آنچه باعث ماندگاری رژیم شد، نه یاری خداوند و سنت های الهی، که همانا سرکوب و اعدام و کشتار بی رحمانه ای بود که جمهوری اسلامی در سرتاسر کشور به راه انداخت. در آن سال، جنگ ارتجایی برای رژیم یک "نعمت الهی" شد. خمینی با استفاده از شرایط جنگ و توهم بخش بزرگی از مردم ناآگاه ایران که هنوز به خمینی و وعده های توخالی او اعتماد داشتند، آشکارا دستور سرکوب عریان مخالفان را صادر کرد. با حکم خمینی، کشتار علنی نیروهای سیاسی، شکستن قلم ها و بستن تمامی روزنامه های مستقل آغاز شد. یورش به سازمان های سیاسی و افراد مخالف رژیم به یک امر عادی در جامعه تبدیل شد. روزانه هزاران نفر دستگیر و کشتار بی محابای نیروهای چپ و آزادیخواه و کمونیست در دستور کار رژیم قرار گرفت. سازمان های سیاسی به طرز بی رحمانه ای قلع و قمع شدند، زندان ها از هواداران جریانات سیاسی و حتا مردم عادی پر شد. در جای جای کشور مدارس و اماکن عمومی به زندان تبدیل شدند. با دستگیری هر نفر، دستگاه های شکنجه و داغ و درفش به راه افتاد. زندانیان زیادی زیر شکنجه جان باختند. هر شب ده ها و در مواردی صدها تن از افراد بازداشت شده بی محاکمه و یا پس از محاکمات چند دقیقه ای به جوخه های مرگ سپرده شدند. سرکوب و کشتار و قتل عام مخالفین به سیاست روز جمهوری اسلامی تبدیل شد. جو پلیسی و امنیتی سراسر کشور را فرا گرفت و دولت دینی در ابعادی همه جانبه، جامعه را به انقیاد کشید. در واقع جمهوری اسلامی با ایجاد شرایطی مخوف و ترسناک و حمام خونی که در سال ۱۳۶۰ و سال های بعد از آن در جای جای جامعه به راه انداخت، ماندگاری خود را تثبیت کرد.

پس آنچه استمرار رژیم را ممکن ساخت، سرکوب و کشتار عنان گسیخته و زندان و شکنجه در شرایط سیاسی ویژه آن سال ها بود. سیاستی که اکنون نیز خامنه ای تحت عنوان "سنت الهی" به دنبال اعمال همان روش های به کار گرفته در سال ۱۳۶۰ است. در این میان اما، آنچه را که خامنه ای بدان توجه ندارد همانا شرایط متفاوت امروز جامعه با شرایط سال شصت است. اکنون وضعیت جامعه، چه به لحاظ آگاهی و روند رو به رشد مبارزات کارگران و

توده های مردم ایران و چه به لحاظ پوسیدگی و درماندگی جمهوری اسلامی از درون و بیرون اساساً قابل قیاس با سال ۱۳۶۰ نیست. اگر خامنه ای صرفاً به لحاظ بی ثباتی و بحران های ژرف و عمیقی که رژیم را فرا گرفته، خود و موقعیت جمهوری اسلامی را در وضعیت اسفبار سال ۱۳۶۰ می بیند، باید بداند که اکنون علاوه بر بحران های ژرف حاکم بر رژیم که ادامه حیات را برای جمهوری اسلامی مشکل کرده است، شرایط جامعه اما از جمیع جهات برای یک تحول اجتماعی و دگرگونی بنیادی مهیا است. پوشیده نیست، در شرایط انقلابی حاکم بر جامعه که کارگران و توده های مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی خیز بر داشته اند، این مردم آگاه و بپا خاسته را نه به آسانی سال ۱۳۶۰ می توان سرکوب کرد و نه می توان آنان را از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی باز داشت.

دیرگاهی است که بحران عمیق رکود - تومی سرتاپای رژیم را فرا گرفته است. جمهوری اسلامی با بحران های ژرف سیاسی و اجتماعی مواجه است، اکثریت بسیار بزرگ مردم ایران رو در روی رژیم قرار گرفته اند. این واقعیت ها به وضوح تفاوت موقعیت امروز جمهوری اسلامی را با سال ۱۳۶۰ نشان می دهد. شکست های پیاپی رژیم در عرصه های داخلی و بین المللی، بحران دستگاه های اطلاعاتی جمهوری اسلامی از جمله برکناری مسئول حفاظت بیت رهبری، برکناری حسین طائب رئیس سازمان اطلاعات سپاه، شایعه بازداشت علی نصیری، فرمانده سابق سپاه حفاظت که مسئولیت حفاظت از مسئولین نظام را به عهده داشت و نیز دستگیری ده ها تن از عناصر حفاظت اطلاعات سپاه، جملگی نشان می دهند که خامنه ای و کل هیئت حاکمه ایران در چه بحران عمیقی دست و پا می زنند.

علاوه بر اضمحلال و پوسیدگی درونی نظام، کارگران و توده های مردم ایران نیز در ابعادی وسیع به مبارزه علیه جمهوری اسلامی برخاسته اند. روزی نیست که شعار "مرگ بر خامنه ای" و "مرگ بر ریسی" در اعتراضات خیابانی معلمان و دانشنگاران شنیده نشود. اعتراض و ناراضی سراسر کشور را فرا گرفته است. همه شواهد حاکی از آن است، که جامعه آپستن تحولات بزرگ اجتماعی است.

در چنین شرایطی، خامنه ای اما با اتکا به شیوه های سال ۶۰ همچنان در اوهم سرکوب و کشتار توده های مردم ایران و به طریق اولی در فکر بازگرداندن اقتدار خود و جمهوری اسلامی به سال های گذشته است. امری که با توجه به پوسیدگی درونی نظام، گسترش اعتصابات کارگری و حضور خیابانی توده های مردم ایران که برای سرنگونی جمهوری اسلامی خیز برداشته اند، اتفاقی محال خواهد بود.

حال در چنین شرایطی که جامعه در تب و تاب یک تحول بزرگ اجتماعی شتاب گرفته است، حتا اگر به زعم خامنه ای خداوند سال ۱۴۰۱ همان خداوند سال ۱۳۶۰ باشد، روشن است دیگر هیچ راه نجاتی برای استمرار رژیم باقی نمانده است. جمهوری اسلامی رفتنی است. دیگر نه کاری از خدای خامنه ای بر می آید و نه سرکوب و زندان و اعدام قادر به نجات رژیم خواهد شد.

مذاکرات دوحه، نه به پیش، نه به پس

نیز با مشکل روبروست و ترک رسمی میز مذاکره و اعلام رسمی مرگ "برجام" می‌تواند هم در افزایش اعتراضات توده‌ای و هم افزایش شکاف در میان طبقه حاکم تاثیر بگذارد.

بنابراین مذاکره بر سر احیای "برجام" نه به پایان خط رسیده و نه طرفین نزاع خواستار چین وضعیت هستند، در شرایط بحرانی کنونی در سطح جهان، هیچ‌کدام از طرفین نزاع خواستار بستن پرونده "برجام" و افزایش "تنش" نیستند. اما سوال این‌جاست که تا چه زمانی مذاکراتی بی‌نتیجه مانند دوحه می‌تواند ادامه یابد و شرایط در حالت "برجام بدون جام" باقی بماند؟

شکی نیست که لحن و رفتار دولت‌های اروپایی و آمریکا در قبال رفتار جمهوری اسلامی در حال تغییر است اما این تغییر تنها در راستای تشدید فشار به جمهوری اسلامی برای عقب‌نشینی آن است. اما از آن طرف ابزار این دولت‌ها در شرایط فعلی محدود است. تصویب قطعنامه شورای حکام که در واقع اخطاری به جمهوری اسلامی بود، یک نمونه است. بیانیه مشترک سه کشور اروپایی در آستانه نشست شورای امنیت یک نمونه دیگر است که با لحن متفاوتی نسبت به ماه‌های گذشته به مواضع جمهوری اسلامی در مذاکرات برخورد کرده و صراحتاً جمهوری اسلامی را با طرح خواست‌های غیرمنطقی مسئول بی‌نتیجه ماندن مذاکرات اعلام کردند. مقامات اروپایی در نشست شورای امنیت نیز چندین بار تهدید کردند که ممکن است برجام به نقطه پایان نرسد. نماینده اتحادیه اروپا در سازمان ملل در نشست شورای امنیت گفت: "من نگران این هستم که نتوانیم از خط پایان عبور کنیم و پیام من به ایران این است که از این فرصت استفاده کنید و توافق را بر اساس متنی که روی میز است به پایان برسانید."

اما همان‌طور که در بالا آمد ابزارهای دولت‌های اروپایی و آمریکا در شرایط کنونی محدود است و در واقع مهم‌ترین ابزارشان ارجاع پرونده اتمی ایران به شورای امنیت از سوی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و فعال کردن "مکانیسم ماشه" است، ابزاری که فعلاً دولت‌های اروپایی به استفاده از آن فکر هم نمی‌کنند، اما ادامه روند کنونی و حتی تشدید اختلافات بین بلوک‌های امپریالیستی می‌تواند شرایط دیگری را رقم بزند.



زنده باد اتحاد و مبارزه بازنشستگان تامین اجتماعی

"وای از این ظلم - مرگ بر این بردگی"

در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۱ و ۱۲ تیرماه، بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای اهواز، کرمان، همدان، خرم‌آباد، آبادان، اصفهان، ساری، زنجان، شوش و هفت‌تپه، شوشتر، اندیمشک، دزفول، کرج، اراک، رشت، کرمانشاه و دورود با آمدن به کف خیابان بار دیگر در تجمعی سراسری خواست‌های برحق خود را فریاد زدند.

روز شنبه در تهران، عوامل سرکوب جمهوری اسلامی با حضور وسیع در برابر وزارت کار و مسیرهای منتهی به آن از جمله در ایستگاه‌های مترو و اتوبوس مانع تجمع و حتا ایستادن بازنشستگان شدند. براساس برخی اخبار چند بازنشسته نیز توسط مزدوران رژیم دستگیر شده‌اند. حضور پر تعداد مزدوران سرکوب رژیم در تهران که وزارت کار و تمامی خیابان‌های اطراف آن را قُزق کرده بودند، نشانه‌ی ترس و وحشت رژیم از اعتراضات بازنشستگان در پایتخت است، همان‌طور که پیش از این در تجمع اعتراضی معلمان نیز شاهد بودیم. در اراک نیز مزدوران رژیم با حمله به صفوف بازنشستگان سعی در دستگیری چند نفر داشتند که بازنشستگان با شعار بی‌شرف، بی‌شرف، متحدانه در برابر آن‌ها ایستادند و مانع دستگیری رفقای خود شدند.

در هفته‌های اخیر تجمعات اعتراضی بازنشستگان ادامه داشته است، اما بازنشستگان اهواز هر روز و بدون وقفه این تجمعات اعتراضی را آن‌هم در هوای به شدت گرم اهواز برگزار کردند. درود بر بازنشستگان اهواز که درس مبارزه و پایداری را به دیگران می‌آموزند.

زیر بار ستم نمی‌کنم زندگی جان فدا می‌کنم در ره آزادی وای از این ظلم وای از این ظلم، زیر بار ستم نمی‌کنم زندگی جان فدا می‌کنم در ره آزادی مرگ بر این بردگی، مرگ بر این بردگی، فقط کف خیابون بدست می‌آید حق مون، وعده وعید کافیه سرفه ما خالیه، رئیسی دروغ‌گو حاصل وعده‌هاست کو، معیشت، منزلت حق مسلم ماست، از جمله شعارهای بازنشستگان در روزهای اخیر بوده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از خواست‌های برحق بازنشستگان، اعتراض را حق مسلم بازنشستگان و دیگر گروه‌های اجتماعی دانسته و ممانعت از تجمع بازنشستگان را به شدت محکوم می‌کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) معتقد است که حضور هر چه وسیع‌تر بازنشستگان تامین اجتماعی و اتحاد وسیع آن‌ها با دیگر بازنشستگان، کارگران، معلمان و دیگر زحمتکشان جامعه، آن حلقه‌ی مفقوده‌ای است که امروز ضرورت آن بیش از همیشه احساس می‌شود و می‌باید برای تحقق خواست‌های برحق بازنشستگان در این مسیر گام برداشت. بدون تردید حضور وسیع‌تر بازنشستگان و اتحاد گسترده‌ی تمامی ستمدیدگان جامعه، قدرت سرکوب رژیم را نیز کاهش داده و رژیم را مجبور می‌کند تا گام به گام در برابر سیل عظیم توده‌های ستمدیده جامعه عقب‌نشینی کند.

پیش به سوی اتحاد کارگران و زحمتکشان، پیش به سوی مبارزه، پیش به سوی پیروزی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه‌داری

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۲ تیرماه ۱۴۰۱

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

پیش به سوی
تشکیل حزب
طبقه کارگر



کشتار وحشیانه پناهجویان آفریقایی‌تبار در مرز اسپانیا و نقش آتی ناتو در جلوگیری از ورود پناهجویان

سیاست‌های ضد بشری و پناهنده ستیز دولت‌ها بویژه دول اروپایی هر روز روند خشونت‌بارتر و وحشیانه‌تری می‌گیرد و هزاران انسان مستأصل و گریخته از جنگ و مصیبت را به کام مرگ می‌کشاند.

در آخرین روزهای ماه ژوئن، دهها پناهجوی آفریقایی‌تبار در یک تراژدی دیگر جان خود را از دست دادند، صدها تن بشدت مجروح و بیش از هزارتن بازداشت و زندانی شدند. این حمله برنامه‌ریزی‌شده توسط نیروهای انتظامی و مرزی مراکش و اسپانیا که با شقاوت بی‌حدوحصری نیز همراه بود، پناهجویان آفریقایی‌تباری را هدف قرار داد که برای فرار از جنگ و مصیبت‌های ناشی از آن از سودان، چاد و نیجریه گریخته و خود را به مرز مراکش و اسپانیا رسانده و درصدد عبور از مرز مراکش و اسپانیا بودند. در تصاویر و فیلم‌های منتشره از این سرکوب وحشیانه و خونبار که قساوت دوران برده‌داری را تداعی می‌کند، مأمورین مرزی رامی بینیم که با باتوم پیکرهای خونین نیمه‌جان و بیجان تلنبار شده پناهجویان را جنون وار مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند.

این جنایت هولناک که اوج شقاوت، پناهنده ستیزی و راسیسم را به نمایش می‌گذارد، در مرز اسپانیا، کشوری اروپایی صورت می‌گیرد که اخیراً ۱۲۴ هزار اوکرائینی را پذیرا شده، اما نیروی سرکوب خود را برای تار و مار کردن ۲ هزار پناهجوی آفریقایی‌تبار اعزام می‌کند و با یاری همتایان مراکشی خود، حمام خون به راه می‌اندازند، آنهم از قضا در همان روزهایی که اسپانیا میزبان اجلاس ناتوست. این همزمانی البته تصادفی نیست. زیرا یکی از مباحث این اجلاس ناتو، اتخاذ سیاستی برای جلوگیری از ورود پناهجویان است. در سندی که طرح "کنترل موج مهاجرت" نام گرفته، از کشورهای عضو ناتو خواسته می‌شود که سیاست متحد واحدی اتخاذ کنند. در این سند از جمله آمده است: "از آن جا که بی‌ثباتی در آفریقا و خاورمیانه موجب به خطر افتادن امنیت پارتنرهای ما (ناتو) می‌شود، داشتن راه‌حلی مشترک بیش‌ازپیش ضروری است." یکی از این موارد، حفاظت ناتو از مرزهای اسپانیا با کشورهای شمال آفریقا برای جلوگیری از ورود مهاجرین و پناهجویان است.

به‌عبارت‌دیگر، از این‌پس، تنها نیروهای نظامی و مرزی یک کشور برای سرکوب و جلوگیری از ورود پناهندگان وارد عمل نمی‌شوند بلکه ناتو برای تقویت آنها اعزام می‌شود. اگر امروز نیروهای نظامی یک کشور با باتوم و اسلحه به جان پناهجویان می‌افتند، بعید نیست فردا با توپ و تانک ناتو روبرو شوند.

کشتار خونین پناهجویان آفریقایی‌تبار در مرز اسپانیا و در آستانه اجلاس ناتو و چراغ سبز این کشور به مراکش برای به خاک و خون کشاندن پناهجویان بی‌پناه در چارچوب استراتژی جدید و پناهجوستیزی است که دول امپریالیستی در دستور کار خود قرار داده‌اند. این روند گرچه از سال‌ها قبل به اشکال مختلف آغاز شده و به مرگ هزاران پناهجو و انسان بی‌پناه در دریا، کوه و کمپ‌های پناهندگی انجامیده، اما با مداخله ناتو در امر مقابله با مهاجرت و پناهندگی، ابعاد این سیاست‌ها در آینده علنی‌تر، خشونت‌بارتر و خونین‌تر خواهد شد.

چه باید کرد؟ درحالی‌که کمپ سرمایه تمام نیرو و امکانات خود را برای جلوگیری از حق پناهندگی بکار گرفته، بر ما طرفداران اردوی کار در سراسر جهان است که برای حفظ حق پناهندگی، مبارزه کنیم. همانگونه که برای دست یافتن به این حق مبارزه‌ای طولانی کرده‌ایم، برای حفظ آن نیز متحد و همبسته مبارزه کنیم و جنایاتی که در حق پناهجویان صورت می‌گیرد افشا و محکوم کنیم. درعین‌حال پایان دادن به رخوت و بی‌تفاوتی افکار عمومی جهان نسبت به این جنایات، نیازمند همگامی و تلاش دوچندان نیروهای مترقی و آزادیخواه جهان است.

زنده باد همبستگی بین‌المللی علیه هر گونه ستم و تبعیض
زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم
کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
سوم ژوئیه ۲۰۲۲

بازنده‌ی اصلی سناریوی وزارت اطلاعات



داد. وی نیز از روز اول تیر اعتصاب غذای خود را آغاز کرده است. امروز یکشنبه ۱۲ تیر، ۴۶ روز از بازداشت و ۱۲ روز از اعتصاب غذای حسن سعیدی گذشته است. بازجویی‌های مکرر و تهدیدآمیز و طولانی و اعمال فشار و شکنجه در تمام این روزها ادامه داشته است.

قدارمندان آبرو باخته سرکوبگر به این حد از فشار و تهدید اکتفا نکرده‌اند. برای تشدید بیش از پیش فشار بر زندانی، حتی به بدرفتاری و تهدید علیه خانواده‌ها، بی‌خبر نگاه‌داشتن آنان از وضعیت زندانی، قطع ملاقات حضوری و کابینی و قطع حتی تماس تلفنی نیز متوسل شده‌اند. مراجعات مکرر ربابه رضایی و نسرین رحیمی به دادرسی زندان اوین برای پیگیری وضعیت همسران خویش رضا شهبانی و حسن سعیدی، با پاسخ‌های سربالا، اهانت‌بار و تهدیدآمیز همراه بوده است. همسر رضا شهبانی که درخواست ملاقات نموده و گفته بود اجازه بدهند با شهبانی ملاقات کند شاید او را راضی کند اعتصاب غذایش را بشکند، بازپرس مربوطه نه‌فقط اجازه ملاقات نداد بلکه در کمال وقاحت اعلام کرد: "ما خودمان اعتصاب غذای شهبانی را می‌شکنیم!"

نمونه دیگری آزار و تهدید خانواده‌ها، قطع تلفن حسن سعیدی به خانواده بود. این تلفن کوتاه زمانی که هنوز تماس‌های تلفنی منتفی نشده بود، توسط عوامل امنیتی قطع شد. چند لحظه بعد تلفن زنگ خورد و فردی که خودش را بازجوی حسن سعیدی معرفی کرد، نسرین رحیمی همسر سعیدی را تهدید کرد که اگر گفته‌های سعیدی به بیرون درز کند و اطلاع‌رسانی شود، حکم قضایی و جلب ایشان نیز صادر خواهد شد! هم‌اکنون نیز درحالی‌که خطر مرگ، فعالان سندیکا را در زندان تهدید می‌کند و معلوم نیست از نظر جسمی در چه وضعیتی به سر می‌برند، خانواده‌ها در بی‌خبری مطلق نگاه داشته شده‌اند.

علاوه بر دو عضو برجسته سندیکای کارگران شرکت واحد، پرونده‌سازی امنیتی و سناریوی وزارت اطلاعات ۸ تن دیگر را نیز شامل می‌شود. آنبیسا اسدالهی و همسرش کیوان مهتدی دو مترجم و حامی طبقه کارگر نیز روز ۱۹ اردیبهشت بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند. در صفحه ۹

و زحمتکشان دیوار بکشند. وزارت اطلاعات و کل دستگاه سرکوب و امنیتی رژیم با این خیال که با زدن سر این تشکل‌ها، خود تشکل‌ها و فعالیت و مبارزه متشکل آن‌ها را از کار خواهد انداخت، به یک نمایش ساختگی روی آورد که شکست فضاقت بارش از همان آغاز بر همگان روشن بود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه روز شنبه یازده تیر اعلام کرد "رضا شهبانی در بیستمین روز اعتصاب غذایش تماس بسیار کوتاهی که فقط به‌قصد رساندن صدایش بوده برقرار کرده و حتی خانواده ایشان موفق نشده‌اند در مورد سلامتی‌اش سؤال کنند، گویا بازجو فقط قصد داشته به خانواده شهبانی بگوید رضا هنوز می‌تواند حرف بزند. حسن سعیدی دیگر عضو سندیکای کارگران شرکت واحد امروز دهمین روز اعتصاب غذایش را در یکی از سلول‌های انفرادی زندان اوین در حالی پشت سر می‌گذارد که بشدت کاهش وزن داشته و شرایط جسمانی خوبی ندارد. حسن سعیدی همچنان در انفرادی است و تحت بازجویی می‌باشد"

رضا شهبانی عضو برجسته سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۱ توسط ۵ مأمور امنیتی بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. حسن سعیدی عضو برجسته دیگر این سندیکا نیز روز ۲۸ اردیبهشت توسط ۹ مأمور امنیتی و سرکوبگر بازداشت و به بند ۲۰۹ منتقل شد. هردو فعال سندیکایی از همان لحظات اولیه دستگیری، زیر بازجویی و فشار و شکنجه قرار گرفتند. علی‌رغم اینکه قرار بازداشت موقت یک ماه است اما بازداشت این دو کارگر یک ماه دیگر تمدید شده است. رضا شهبانی که ۱۵ خرداد هشدار داده بود اگر در طرف یک ماه یعنی ۲۲ خرداد آزاد نشود، دست به اعتصاب غذا خواهد زد، اعتصاب غذای خود را از ۲۳ خرداد آغاز کرد. وضعیت جسمانی رضا شهبانی به حدی وخیم بوده که در حین بازجویی از حال رفته است. علی‌رغم اینکه این فعال کارگری از بیماری‌های متعددی رنج می‌برد و بارها خواهان مداوای پزشکی شده است اما مسئولین زندان از این کار خودداری کرده‌اند و از این طریق نیز فشار علیه این کارگر زندانی را تشدید نموده‌اند. تا امروز یکشنبه ۱۲ تیرماه، ۵۲ روز از بازداشت رضا شهبانی و ۲۱ روز از اعتصاب غذای وی گذشته و بازجویی و تهدید و اعمال فشار و شکنجه در تمام این دوره نیز ادامه داشته است.

حسن سعیدی عضو برجسته دیگر سندیکای کارگران شرکت واحد نیز پس از چندین روز بازجویی‌های طولانی و پی‌درپی و شکنجه‌های متوالی، به انفرادی ۲۰۹ منتقل شد. وقتی که در روز ۳۱ خرداد، قرار بازداشت وی تمدید شد، سعیدی اعلام کرد دیگر بازجویی پس نخواهد

روبرو ساخت، سراسیمگی و وحشت بزرگی را برای حاکمان پایتخت‌نشین رقم زد و قدرت اعتصاب و اتحاد کارگران را به نمایش گذاشت. جنبش اعتراضی معلمان نیز طی چند سال اخیر از رشد چشمگیری برخوردار شده است. به‌رغم احضار و تهدید و بازداشت صدها تن از معلمان در سراسر کشور و بریدن حبس‌های طولانی‌مدت برای فعالان این جنبش از جمله ۷ سال حبس رسول فدایی، اما جنبش اعتراضی معلمان در پرتو فعالیت معلمان آگاه و مبارز و تشکل‌های مستقل آن‌ها پیوسته گسترده‌تر و متشکل‌تر شده است به‌نحوی‌که شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان در سال گذشته توانست یازده اعتصاب و تجمع سراسری را سازمان دهد و روزبه‌روز تعداد بیشتری از معلمان را به عرصه فعالیت و مبارزه متشکل بکشاند.

ناکامی دستگاه سرکوب و اطلاعاتی رژیم در مقابله با جنبش‌های اعتراضی به‌ویژه جنبش اعتراضی معلمان و اعتصابات گسترش‌یافته کارگری، آن‌هم بر متن شرایطی که به‌شارت‌دهنده اعتلای بیشتر اعتراضات توده‌ای و اعتصابات کارگری و تکان‌های بزرگ اجتماعی است، ارتجاع حاکم را بر آن داشته به هر وسیله‌ای چنگ زند و راهی برای نجات حاکمیت از این مخمصه پیدا و ترفندی دست‌وپا کند. به‌ویژه آنکه شرایط جامعه و نیازها و ضرورت‌های گسترش و تعمیق مبارزه، کارگران و زحمتکشان و تشکل‌های موجود را بیش‌ازپیش به هم نزدیک ساخته و مبارزات مشترک و هماهنگ شده‌ای را نیز پدید آورده یا در دستور کار آن‌ها قرار داده است. مقابله با چنین روندی است که ارتجاع حاکم را به این نتیجه رسانده است که به هر قیمت باید جلو رشد اعتراضات و مبارزات متشکل را بگیرد. ارتجاع حاکم در عین حال این را می‌داند که نمی‌تواند از گسترش اعتراضات و اعتصابات متشکل جلوگیری کند مگر آنکه تشکل‌های سازمانده آن از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد، کانون‌ها و انجمن‌ها و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان را برچیند و سازمان‌گران این مبارزات را تار و مار کند. از همین‌جاست که فعالین این تشکل‌ها را بازداشت نموده و با توسل به یک سناریوی ساختگی، بازجویی‌های طولانی و مکرر و شکنجه هرروزه آنان را ادامه داده تا بلکه این مبارزان را به اعترافات دروغین وادار کند. ارتجاع حاکم بر این خیال است که با تهمت و افترا و طرح همکاری آن‌ها با دو معلم فرانسوی که عنوان "جاسوس" به آن دو داده است، این تشکل‌ها و فعالین آن را به نحوی از انحاء به کشورهای دیگر و "دشمن خارجی" وصل و بدنام کند که راحت‌تر بتواند بساط آن‌ها و فعالیتشان را برچیند، تا بدین‌سان هم از شر این تشکل‌ها و مبارزات مستقلشان رها شود و هم در برابر تقویت مبارزه مشترک و هماهنگ شده کارگران

زنده باد سوسیالیسم

بازنده‌ی اصلی سناریوی وزارت اطلاعات

کمک های مالی

سوئیس

۳۰ فرانک	علی اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسهچی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمسا
۲۰۰ کرون	خروش (ژوئیه)

سوئد

۱۰۰۰۰	استکهلم - صدیق
	کرون

آلمان

۱۰۰ یورو	برخیز، از زیر آوارها!
----------	-----------------------

هند

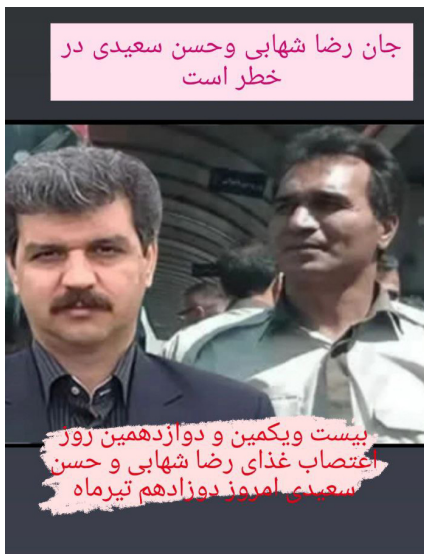
۵۰۰ یورو	رفیق صمد حسین زهی
----------	-------------------

ایران

۱ میلیون تومان	آبان ادامه دارد
1000 یورو	رفیق حمید اشرف

کانادا - ونکوور

۴۰ دلار	احسان
---------	-------



به امیال وزارت اطلاعات و شکنجه گران تمکین نکرده است و کیست که نداند حتی اگر به اجبار و زیر شکنجه حرفی مطابق خواست شکنجه گران بر زبان آورده شود، صرفاً حرف شکنجه گران و مطلقاً فاقد ارزش و اعتبار است.

نقشه رژیم که با شکار عناصر آگاه رأس هرم تشکل می‌تواند کل فعالیت این تشکل‌های مستقل را بخواباند و جلو اعتراضات کارگران و معلمان را بگیرد، نقش بر آب شده است. گرچه نمی‌توان انکار کرد که بازداشت این فعالان آگاه و ده‌ها و صدها فعال جنبش کارگری با اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالان جنبش اعتراضی معلمان، تأثیرات معینی روی سازمان‌دهی داشته است. حجم یورش‌ها و تعرضات دستگاه سرکوب بالا بوده است. در جریان یورش نیروهای سرکوب گر وزارت اطلاعات به معلمان، طبق اطلاعات انتشار یافته در کانال تلگرامی شورای هماهنگی، طی دوماه اخیر دستکم ۲۳۰ معلم بازداشت و زندانی شده‌اند. به‌رغم این اما اعتراضات ادامه داشته است.

اعتراضات کارگران و معلمان و سایر اقشار زحمتکش مانند بازنشستگان تأمین اجتماعی که هرروزه در شهرهای مختلف کشور تجمع و رامپیمایی می‌کنند، برخاسته از وضعیت مشقتبار اقتصادی است. می‌توان شماری از فعالان سیاسی و اجتماعی یا فعالان جنبش کارگری و جنبش اعتراضی معلمان را بازداشت کرد و به زندان افکند و شکنجه کرد و افترا بست و سناریو ساخت، اما نمی‌توان اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای را به بند کشید. گو آنکه سندیکای کارگران شرکت واحد و تشکل‌های مستقل معلمان به‌ویژه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان نیز به فعالیت خود ادامه داده‌اند، نسبت به مسائل و معضلات روز واکنش نشان داده و مطالبات خویش را نیز فعالانه پی گرفته‌اند. از همکاران زندانی خود حمایت نموده و خواهان آزادی فوری و بی‌قیدوشرط آن‌ها شده‌اند.

بنابراین می‌توان گفت استراتژی ارتجاع حاکم و وزارت اطلاعات آن برای قلع‌و‌قمع سندیکای

این دو فعال کارگری و مدافع حقوق کارگران نیز صرفاً به خاطر ترجمه سخنان دو معلم فرانسوی در یک نشست و فضای عمومی مکرر مورد بازجویی و در معرض شکنجه مزدوران اطلاعاتی قرار گرفته‌اند. جعفر ابراهیمی، رسول بدایی، محمد حبیبی، اسکندر لطفی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه ۶ تن از اعضای برجسته تشکل‌های مستقل معلمان نیز مشمول پرونده‌سازی و سناریو بافی دستگاه سرکوب و امنیتی شده‌اند. جعفر ابراهیمی عضو کانون صنفی معلمان تهران و بازرس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان و عضو شورای هماهنگی، رسول بدایی بازرس کانون صنفی معلمان و عضو شورای هماهنگی، هر سه، روز ۱۰ اردیبهشت با یورش مزدوران وزارت اطلاعات بازداشت و مستقیماً به انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدند. این سه معلم مبارز از همان لحظه بازداشت تاکنون مرتباً در معرض بازجویی‌های فرسایشی و شکنجه بوده و برای اعتراضات دروغین تحت فشارهای شدید قرار داشته‌اند. شایان‌ذکر اینکه از زمان بازداشت محمد حبیبی، حقوق وی نیز قطع شده است. نکته دیگر اینکه فشارهای زیادی علیه رسول بدایی اعمال شده که او را به تسلیم وادار کنند. اما این معلم مبارز و شجاع که ۷ سال بدون وقفه و بدون یک روز مرخصی در زندان‌های مخوف رژیم را تجربه نموده و انواع فشارها و محرومیت‌ها را تحمل نموده است، شجاعانه در برابر شکنجه گران ایستاده است. اسکندر لطفی عضو انجمن صنفی معلمان کردستان و سخنگوی شورای هماهنگی، همراه با مسعود نیکخواه و شعبان محمدی دو عضو دیگر انجمن صنفی معلمان کردستان نیز صبح روز ۱۱ اردیبهشت بازداشت و زندانی شدند. تمام آنچه در مورد دو عضو برجسته سندیکای کارگران شرکت واحد گفته شد در مورد این مبارزان نیز صادق است به این معنا که این ۸ نفر نیز از لحظه بازداشت تحت بازجویی‌های موهن شکنجه گران قرار داشته‌اند، دوره بازداشت آن‌ها تمدید شده است، از حق ملاقات و تماس با خانواده نیز محروم شده‌اند. در اینجا نیز تشدید فشار علیه خانواده‌ها در اشکال مختلفی خود را نشان داد که از آن جمله می‌توان به ملاقات کابینی اسکندر لطفی و نیز ملاقات حضوری چند دقیقه‌ای شعبان محمدی و مسعود نیکخواه با خانواده‌هایشان اشاره کرد که مأمورین امنیتی زندان مانع شدند آن‌ها به زبان کردی با هم گفتگو نمایند. زندانیان و خانواده‌ها را مجبور کردند به زبان فارسی صحبت کنند!

علی‌رغم تمام این محدودیت‌ها و اعمال زور و شکنجه و پرونده‌سازی علیه این فعالان، سناریو سازان و شکنجه گران وزارت اطلاعات اما نتوانسته‌اند سروه سناریوی رسوای خود را جمع کنند. صرف‌نظر از اینکه ماهیت رسوای این سناریو و جعلی بودن افتراهایی که علیه این ۱۰ نفر سرهمبندی شده از روز اول برای همه روشن بود و علی‌رغم اینکه برای اعتراف‌گیری‌های اجباری از انواع شکنجه‌های جسمی و روانی علیه این اسیران دربند استفاده شده است، اما کسی

کارگران شرکت واحد و شورای هماهنگی و دیگر تشکل‌های مستقل معلمان از طریق بازداشت و شکنجه فعالان این تشکل‌ها و سناریوسازی برای آن‌ها عملاً باشکست روبرو شده است. بازنده اصلی این سناریو که از روز اول هم معلوم بود، کسی جز رژیم جمهوری اسلامی و دستگاه اطلاعاتی و امنیتی آن نیست که کل ماجرا را باخته‌اند و باید بساط خود را جمع کنند.

باوجود این باید با تمام توان از کارگران و معلمان زندانی حمایت کرد و هم در داخل، هم در خارج کشور، فعالیت‌های بیشتر و جدی‌تری را برای آزادی فوری این فعالان سازمان داد. چراکه بازجویی‌ها و شکنجه‌ها برای اعتراف‌گیری اجباری و بی‌توجهی به اعتصاب غذا و شرایط وخیم جسمانی این عزیزان همچنان ادامه دارد و جان وزنگی آن‌ها به‌طور واقعی در معرض خطر جدی است.

بازنده اصلی سناریوی وزارت اطلاعات

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 977 July 2022

بازداشت و زندانی شدند. برخی مانند رضا شهبایی حتی ۶ سال حبس کشیدند. علی‌رغم تمام این سرکوب‌ها و فشارها و محدودیت‌ها و هزینه‌هایی که بر فعالان و پیشروان سندیکا تحمیل شد، اما این سندیکا به حیات خود ادامه داد و فعالیت آن متوقف نشد. همین سندیکا توانست یک تجمع و اعتصاب بزرگ و بی‌مانندی را در روزهای ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت سال جاری سازمان دهد. این اعتصاب و تجمع که ثمره چندین سال تجربه مبارزاتی و کارآگاه‌گرانه سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالان کارگری در میان کارگران شاغل در این شرکت بود، اوضاع ترافیک تهران را با اختلال جدی

در صفحه ۸

روزها و هفته‌هاست که زیر بازجویی‌های طولانی و شبانه‌روزی و زیر شکنجه‌های وحشیانه‌اند تا با اقرار و اعترافات اجباری، علیه خود سخن بگویند و نقش موردنظر شکنجه‌گران وزارت اطلاعات در جایگاه کارگردان این نمایش و سناریوی مسخره را ایفا کنند.

ارتجاع حاکم و تمام دستگاه امنیتی و سرکوب آن، طی چند سال گذشته ده‌ها و صدها فعال کارگری و فعال جنبش اعتراضی معلمان را احضار و بازداشت و زندانی کرد و به انواع تهدیدات متوسل شد تا از رشد اعتصابات و اعتراضات متشکل جلوگیری کند.

ده‌ها فعال کارگری به‌ویژه فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد بارها و بارها احضار و



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی